

رسالہ درقافہ

(تصحیح رسالہ فی قافیہ امیر برہان الدین عطاء اللہ محمود حسینی)

بہ کوشش

دکتر فاضل عباس زلّوہ - دکتر رجب توحیدیان



مخطوطات
أحمد رضا

١٨



ISBN: 978-600-7509-20-3



9 786007 509203

رساله در قافیه

(تصحیح رسالہ‌ی قافیہ‌ی امیر برهان الدین عطاء اللہ محمود حسینی)

به کوشش:

فاضل عباس زاده

(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس آباد مغان)

دکتر رجب توحیدیان

(استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس)

زیر نظر:

دکتر یوسف بیگ باباپور

انتشارات منشور سمیر

با همکاری انجمن تاریخ پژوهان مراغه

تهران - ۱۳۹۳

سرشناسه: حسینی نیشابوری، عطاءالله بن محمود، - ۹۱۹ق.
عنوان و نام پدیدآور: رساله در قافیه: (تصحیح رساله‌ی قافیه‌ی امیر برهان‌الدین عطاءالله محمود حسینی) / به
کوشش فاضل عباس‌زاده، رجب توحیدیان؛ زیر نظر یوسف بابایی‌پور.
مشخصات نشر: تهران: منشور سمیر؛ مراغه: انجمن تاریخ‌پژوهان مراغه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۷۱ ص.
فروست: احیای میراث مخطوط؛ ۱۸.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۰۹-۲۰-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر: تصحیح رساله‌ی قافیه‌ی امیر برهان‌الدین عطاءالله محمود حسینی.
موضوع: حسینی نیشابوری، عطاءالله بن محمود، - ۹۱۹ق.
موضوع: قافیه — متون قدیمی تا قرن ۱۴
شناسه افزوده: عباس‌زاده، فاضل، ۱۳۵۶، گردآورنده
شناسه افزوده: توحیدیان، رجب، ۱۳۵۲، گردآورنده
شناسه افزوده: بیگ بابایی‌پور، یوسف، ۱۳۵۷
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ح ۵ / ۳۵۷۱ PIR
رده‌بندی دیوبی: ۰۴۱ / ۸
شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۲۴۵۹۴



انجمن تاریخ پژوهان مراغه



انتشارات منشور سمیر

رساله در قافیه

(تصحیح رساله‌ی قافیه‌ی امیر برهان‌الدین عطاءالله محمود حسینی)

به کوشش: فاضل عباس‌زاده، دکتر رجب توحیدیان

(اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس آباد مغان و سلماس)

از مجموعه: احیای میراث مخطوط / ۱۸

دبیر مجموعه: دکتر یوسف بیگ بابایی‌پور

نوبت چاپ: اول

طراح و صفحه‌آرا: محمدمهدی شعبانی

شمارگان: ۲۰۰

شماره نشر: ۱-۳۰

بها: ۵۵۰۰ ریال

حق چاپ: ۱۳۹۳، انتشارات منشور سمیر با همکاری انجمن تاریخ پژوهان مراغه

تلفن تماس: ۰۹۳۶۱۷۷۷۱۱۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۰۹-۲۰-۳

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آن‌ها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

صفحه

عطاءالله محمود حسینی نیشابوری و آثار وی	۸
نام	۱۲
تخلص	۱۴
عنوان، لقب	۱۴
سیادت	۱۵
نسبت	۱۶
نام کامل	۱۷
ولادت	۱۷
تحصیل	۱۸
تدریس	۱۸
مذهب	۲۰
پایان عمر	۲۱
آثار	۲۲
شعر عطاءالله	۲۵
رساله‌ی قافیه	۲۹
متن	۳۳
منابع و مآخذ	۷۱

بسم اللہ الرحمن الرحیم و بیستین
 سیاسی و سیاسی صاحبی را کہ تا بیس بدایع مصنوعات و نظم
 سلسلہ موجودات بی دخیلی و شریکی بخود و بنور معرفت کہ در د
 ہدایت است عارفانہ از قید ہستی خلاص فرمودہ و درود بہ ہر دو
 بر قافیہ بیت الفصیحہ رسالت کہ بی روی او و سید نعم نعیم و روح
 از مملکت الحکم است و براہل و بیت و اولاد او کہ تحت ایشان ہر
 ارکان ایمانست و اصحاب و اتباع او کہ متابعت ایشان نفس
 نایبہ رویت مطیعانست اما بعد رسالت است در علم قوای
 بعون شعرا و علم منتخب از مقطع کتاب تکمیل الصانع کہ آن کتاب
 این فہرست عطاء اللہ بر کتب الجہنی در حق شعر و سیر خودہ باشد
 بندگان عالم حضرت و الفہرست رکن السلطہ و خدمۃ المملکہ عضد الدولہ
 بہمانانہ معرب الحضرت السلطانیہ حاجی دین محمد علی شکر کہ او
 در فضایل شد مثل اندر خصایل ایشان وصف قدر و حمت او کی توانم
 کہ کونہ عز و جلالش بیاہم گشتہ لال تا بود ممکن عروج مہر براوج فلک
 باد یارب آفتاب است او بی روال اید اللہ مع ظلال دولہ و معدنہ علی
 روس الانام و مدعہ و عترہ الی یوم النیام و اس سالہ مثل است
 برہنہ الوقت بعد و محو و قافیہ حرف اول در تعریف قافیہ حرف دوم

این فہرست عطاء اللہ بر کتب الجہنی در حق شعر و سیر خودہ باشد
 بندگان عالم حضرت و الفہرست رکن السلطہ و خدمۃ المملکہ عضد الدولہ
 بہمانانہ معرب الحضرت السلطانیہ حاجی دین محمد علی شکر کہ او
 در فضایل شد مثل اندر خصایل ایشان وصف قدر و حمت او کی توانم
 کہ کونہ عز و جلالش بیاہم گشتہ لال تا بود ممکن عروج مہر براوج فلک
 باد یارب آفتاب است او بی روال اید اللہ مع ظلال دولہ و معدنہ علی
 روس الانام و مدعہ و عترہ الی یوم النیام و اس سالہ مثل است
 برہنہ الوقت بعد و محو و قافیہ حرف اول در تعریف قافیہ حرف دوم

در تعداد حرف قافیه و بیان حرف روی و حرفی که پیش از اوست

در بیان حرفی که بعد از حرف است حرف در بیان

حرکات قافیه در بیان انواع روی و اوصاف این

انواع و القاب قافیه باعتبار این اوصاف در بیان

انواع قافیه باعتبار تقصیر در بیان عیوب ملحقه قافیه

در بیان عیوب غیر ملحقه قافیه در بیان

حاجب و ردیف در تعریف قافیه حد قافیه محاسن

الزجج و آنکه کلمات را به در الفاظ مختلف بحسب لفظ و معنی یا بحسب

تنها یا بحسب معنی تنها که آن این الفاظ واقع شده باشند در اواخر

یا پیشها یا در چیزی که عمره آنها باشد بشرط آنکه آن مجموع از حرف و

حرفاتی باشند که بعد از این مذکور خواهند شد اندک و اندک

این الفاظ را قوافی میگویند بطریق محاوره بنا بر قول جمهور روی

داشتند که ذکر این قافیه که آن الفاظ واقع شده باشند در اواخر

بسمت آنست که تعریف شامل باشد قوافی متواریات و مطلعها را و

این قافیه که یا بیتمها بحسب آنست که شامل باشد قوافی قطعهها یا قافی

عزل و قصیده را و ذکر این قافیه که یا در چیزی که عمره آنها باشد

آنست که شامل باشد قوافی را که بعد از آنها ردیف مذکور است

در بیان عیوب قافیه در بیان عیوب غیر ملحقه قافیه

در بیان عیوب ملحقه قافیه در بیان عیوب غیر ملحقه قافیه

در بیان عیوب ملحقه قافیه در بیان عیوب غیر ملحقه قافیه

در بیان عیوب ملحقه قافیه در بیان عیوب غیر ملحقه قافیه

در بیان عیوب ملحقه قافیه در بیان عیوب غیر ملحقه قافیه

در بیان عیوب ملحقه قافیه در بیان عیوب غیر ملحقه قافیه

در بیان عیوب ملحقه قافیه در بیان عیوب غیر ملحقه قافیه

در بیان عیوب ملحقه قافیه در بیان عیوب غیر ملحقه قافیه

نی‌نی که مراد است مقصود دلم - یعنی که بمن هر چه تو خواهی آن ده
و مثال آنکه در محلی حکم استقل باشد لفظ آه در مصراع دوم است
روز و شب گرفت سوفه در شب آه که اخسته را حال شد تقریباً
و شمس قیس در تعریف ردیف گفته که می‌ماند که شعر در وزن و معنی بود
محتاج باشد و اصل محلی است محبت آنکه خود را در کفر معنی گفته که چون
کلمه ردیف در موضع خود ممکن نیست یعنی شعر از روی معنی در آن اصحاب
نبود عیب است حالیکه انوری گفته که بر آن مثال که توقع تو بر آن بود
رمانه طی کند جز برای حصار آن معلوم شد که بر بعد بری که شعر را
از روی معنی در آن اصحاب نبوده آن ردیف است غایتش آنکه عیبی در
مکان که گویم مراد او تعریف ردیف است نه مطلق ردیف و صاحب
معیار الا شعرا گفته که اعتبار در ردیف بتکرار الفاظ است و معنی
اعتبار نیست چه اگر ردیف در همه قصیده بیک معنی بود یا بلفظ مجمل
یا معنی را معنی بود و بلفظ را بنویسند بیک معنی یا بنویسند بلفظی
تفاوتی باشد از لفظی روا بود و معموله که در ردیف اعتبار را اعتباری
چه اگر تمام مصراع‌های شکل بر قافیه در ردیف باشد و الی و و حالیکه در کثرت
اعتباری نیست در ثقل هم اعتباری نیست و در کثرت قافیه مذکور
شد که صاحب معیار الا شعرا می‌داشت که هر چه بعد از روی و وصل بود

عطاءالله محمود حسینی نیشابوری و آثار وی:

منابعی که درباره‌ی روزگار و آثار عطاءالله محمود حسینی نیشابوری اخبار در بردارند، از نگاه اعتماد و ارزش به دو دوره متعلق می‌باشند: ۱- قرن دهم هجری، ۲- قرون دوازده تا امروز. اگر سرچشمه‌های مرحله‌ی نخست اخباری به حقیقت درج کرده باشند، در مرحله‌ی دوم میان حقیقت و خبر فاصله پدید آمده است.

اختلاف منابع نه تنها در مورد نام و عنوان و زادگاه عطاءالله، بلکه درباره‌ی تاریخ فوت و تعداد آثارش نیز به نظر می‌رسد. هر چند بررسی روزگار و آثار این دانشمند بی‌نظیر بیش از ربع قرن آغاز یافته و پژوهش‌هایی در تاجیکستان و روسیه و ازبکستان چاپ و نشر شده‌اند، در ایران متأسفانه کاری انجام نشده، بلکه همان اشتباهات پیشین تکرار می‌شوند که نمونه‌اش «دانشنامه‌ی ادب فارسی» می‌باشد.^۱

نام:

از معاصران عطاءالله، امیر علی شیر نوایی در مجلس چهارم از مجالس النفایس، ظهیرالدین بابر در بابرنامه، زین‌الدین محمود واصفی در بدایع الوقایع و عبدالله کابلی در تذکره التواریخ نام او را در شکل امیر (میر) عطاءالله ذکر کرده‌اند؛ خواند میر در مکارم‌الاخلاق، خلاصه‌الخبار، حبیب‌السیر و جلد هفتم از روضه‌الصفاء که افزوده‌ی اوست به کتاب پدر بزرگش میر خواند، پیش از نام «عطاءالله» عنوان «برهان‌الدین» را لازم داشته و او را در صورت امیر برهان‌الدین عطاءالله یاد کرده است. اما از مؤلفان دوره‌ی بعدی، شمس‌الدین سامی: عطاءالله محمد الحسینی، حاجی خلیفه: عطاءالله بن محمود الحسینی و محمد مظفر حسین صبا: میر برهان‌الدین عطایی آورده‌اند. در آثار پژوهشگران دوره‌ی اخیر، نام دانشمند مورد نظر، به صورت‌های گوناگون دیده می‌شود، چنانچه، ادوارد براون: میر عطاءالله محمود الحسینی و ریو: عطاءالله بن محمود الحسینی ضبط نموده‌اند. علامه صدرالدین عینی نام او را در شکل میر برهان‌الدین عطاءالله آورده که منبع ایشان، گمان می‌رود آثار خواند میر باشد.^۱

شاد روان عباس اقبال آشتیانی در مقدمه‌ی کتاب رشیدالدین وطواط، حقایق السحر فی دقایق الشعر، یادی از عطاءالله آورده، پیش از نامش «سید» را نیز افزوده است و او را در شکل سید برهان‌الدین عطاءالله ابن محمود ذکر کرده است. اما شاد روان آقا بزرگ تهرانی در دو مورد دو تن را ذکر کرده که به نظر می‌رسد در اصل یکی، یعنی همان عطاءالله محمود حسینی باشد، به شماره‌ی ۵۰۰۸ «عطاءالله مشهدی» را یاد کرده و او را در شکل «عطاءالله بن محمود الحسینی نیز معرفی نموده است، ولی زیر شماره‌ی ۵۰۱۲ «عطاء

^۱ امیر برهان‌الدین عطاءالله محمود حسینی، بدایع الصنائع، صص ۳-۴.

هروی» را آورده و «امیر برهان‌الدین عطاءالله» هم نامیده است.^۱ استاد فقید سعید نفیسی نیز در کتاب تاریخ نظم و نثر در ایران در بخش «شعر قرن نهم» زیر ماده‌های صدم و صد و یکم، دو تن را یاد کرده است: ۱۰۰- امیر برهان‌الدین عطاءالله، ۱۰۱- عطاءالله بن محمود حسین مشهدی متخلص به عطایی. که این دو تن در اصل یکی است.^۲

مؤلف در دیباچه‌ی کتاب بدایع الصنائع نام خود را آورده که همه گونه بحث و شبهه را بر طرف می‌نماید. وی پس از دعای رسمی آورده: «و اما بعد چنین گوید مصنف این رساله و مؤلف این مقاله، بیت:

کمینہ بندہ‌ی معبود مغنی عطاءالله محمود الحسینی

(بدایع الصنائع، ۱۳۸۴: ۶۳)

یقین که «عطاءالله» نام کوچک اوست. بر تقویت همین فکر مثال دیگری هم می‌توان آورد، پاره‌ی شعری از بدایع الصنائع شعری که در آن پدر بر پسر یعنی عطاءالله خطاب کرده است:

پدرم، شاد باد روحش، گفت	شیخ ما گفته است، طاب ثراه:
«هر گروهی ز اهل ایمان را	صالحانند و فاسقان تباه
ظاهراً صالحان ز هر قومی	در خور رحمتند و لطف اله
فاسقان نیز هم ز هر قومی	مستحق غضب به قدر گناه»
پس، مکن رد تو هیچ قومی را	جملگی، زآنکه می‌شوی گمراه
راه اهل نجات اگر خواهی	علم را زاد راه کن و آن گاه
همچو ما راه فقر خوش می‌رو	راه این است، ای عطاءالله!

^۱ همان: ص ۴.

^۲ سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، دو جلدی، ج اول، ص: ۳۲۴.

مؤلف در مقدمه‌ی رساله‌ی قافیه نیز به نام خود اشاره می‌کند: «...اما بعد رساله ایست در علم قوافی به عرف شعراء عجم منتخب از مقطع کتاب «تکمیل الصنایع» که آن کتاب را این فقیر حقیر عطاءالله بن محمود الحسینی در فن شعر تسوید نموده...»^۱

تخلص:

بنا به گفتار پرفسور رحیم مسلمانیان قبادیانی در مقدمه کتاب بدایع الصنایع: «بررسی اشعار اقتباس شده در بدایع الصنایع نشان می‌دهد که این مؤلف نام خود را به عنوان تخلص (در شکل‌های: عطاء، عطایی و عطاءالله) به کار برده، شعر می‌سروده و مشهور نیز بوده است. شکل «عطاءالله» در دو شعر به نظر رسید. «عطا» در هفت مورد به کار رفته است. «عطایی» ۲۱ بار مورد استفاده قرار گرفته است.^۲ در رساله‌ی قافیه عطاءالله، تنها یکبار تخلص «عطایی» ذکر شده است:

ای عطایی! دل و دین رفت ز ما سوی عدم در دل ما چو رقم بست سر زلف صنم

(رساله‌ی قافیه، ص: ۴۲)

عنوان، لقب:

هم زمانان عطاءالله یعنی، امیر علی شیر نوایی، خواند میر، واصفی، بابر و چندی از مؤلفان بعدی نیز در اول نام وی امیر (میر) را آورده‌اند. عبدالله کابلی این تأکید را هم لازم دانسته که وی «از اکابر زاده‌های اعیان نیشابور بوده است.» از نوشته‌های عطاءالله و نیز تألیفات پژوهشگران، هیچ معلوم نیست که وی منصب و وظیفه‌ی دولتی داشته باشد. تنها

^۱ عطاءالله محمود حسینی، رساله‌ی قافیه، ص: ۱۹.

^۲ بدایع الصنایع، ص: ۵-۶.